

تحلیل مفهوم، مبانی، اهداف و اصول عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری

سید کاظم شمس مفرحه *

شهین ایروانی **

محمد رضا شرفی جم ***

بهبود یاری قلی ****

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۰۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۰۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل مفهوم، مبانی، اهداف و اصول عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری با استفاده از دو روش تحلیل مفهومی (مفهوم پردازی) و روش استنتاجی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در صورت‌بندی مفهوم عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری می‌توان به فرصت‌های آموزشی برابر، رعایت حقوق و استحقاق افراد باتوجه‌به تلاش و استعدادهای متریان، جبران کمبودهای متریان نیازمند توجه خاص، تلازم استعداد و وظایف متریان اشاره نمود. مهم‌ترین مبانی عدالت تربیتی عبارت است از: ۱. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، مصداق برخورداری از فیض عام خداوند است؛ ۲. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت یکی از جلوه‌های توازن در هستی به‌منزله اصل حاکم بر جهان آفرینش است؛ ۳. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، جنبه‌ای از تحقق عدالت فردی است؛ ۴. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی است؛ ۵. تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز رشد فطریات انسانی است؛ ۶. تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز رشد کرامت انسانی است؛ ۷. تعلیم و تربیت ابزار اصلی رشد تعقل و اراده به‌عنوان ویژگی‌های ایجادکننده کرامت انسانی است؛ ۸. تعلیم و تربیت ابزار رشد ارزش‌های اخلاقی است؛ ۹. تعلیم و تربیت، زمینه‌ساز سعادت انسانی است، همچنین اصل آموزش همگانی، اصل فردیت در آموزش، اصل پرورش فطریات، اصل پرورش کرامت و اصل سعادت از مهم‌ترین اصول برآمده از آرای شهید مطهری است.

کلیدواژه‌ها: عدالت تربیتی؛ شهید مطهری؛ مفهوم تربیت؛ مبانی تربیت؛ اصول تربیت

* k.shams.110@gmail.com

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران

** sirvani@ut.ac.ir

** فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران

*** msharafi@ut.ac.ir

*** دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران

**** استادیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

behboud1362@gmail.com

مقدمه

بحث از عدالت و وجوه مختلف معنایی و کاربردی آن در قالب‌ها و چارچوب‌های مختلف، از مباحث عمده فلسفه بوده است. این آرمان بشری به اندازه‌ای در حیات فردی و اجتماعی‌ها انسان‌ها دارای اهمیت بوده است که به‌عنوان یکی از مباحث اصلی فلسفه‌های سیاسی در دوران قدیم و جدید قرار گرفته است، لذا مفهوم عدالت، این آرمان مطلوب بشری، همیشه باعث چالش فکری متفکران و نظام‌های مختلف فلسفی بوده است که به‌نظر می‌رسد در هیچ برهه زمانی، اتفاق نظر جامعی درباره آن به‌وجود نیامده است. این مفهوم آرمانی بشر به‌لحاظ گستردگی و اهمیت زیاد، در همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان‌ها سایه گسترانیده است. کاوش در مضمون نظریه‌های گوناگون عدالت از این واقعیت پرده برمی‌دارد که هر یک از این نظریه‌ها بر عنصری خاص به‌صورت پایه و اساس اصول عدالت خویش پای فشرده‌اند که می‌توان از آنها به‌عنوان ارزش‌های بنیادین و نهایی یاد کرد (یاری‌قلی، ۱۳۹۲).

نظریه‌اینکه، در قرون اخیر و با تلاش‌های متعدد مصلحان تربیتی و اجتماعی، تعلیم و تربیت به‌عنوان یکی از حقوق اولیه کودکان مورد تأکید قرار گرفته است و نظام‌های حقوقی در سطح بین‌المللی و ملی تحقق تعلیم و تربیت مناسب برای کودکان را یکی از محورهای عمده تأمین عدالت اجتماعی در سطح کشورها و سطح جهانی می‌دانند. البته در حالی که سال‌هاست این دغدغه به یکی از محورهای مبارزات مصلحان تربیتی و اجتماعی بدل شده است، ولی تحقق آن در سطح عمل هنوز آنچنان که باید رضایت‌بخش نبوده است و وجود سازوکارهای مخرب عدالت تربیتی در برخی نظام‌های آموزشی، اعتراض متفکران را برانگیخته است. گزارش‌های یونسکو در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که برای تحقق عدالت تربیتی و همچنین تحقق برابری جنسیتی در آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهانی هنوز راهی دشوار در پی است (بابادی عکاشه و دیگران، ۱۳۸۷).

نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی یکی از ابعاد عدم تحقق عدالت تربیتی محسوب می‌شود که ملموس و قابل اندازه‌گیری است، اما این بعد تنها بخش بی‌عدالتی در حوزه تربیت به حساب نمی‌آید، نابرابری در دستیابی به آموزش با کیفیت مناسب نیز از دیگر چالش‌های نظام‌های آموزشی برای دستیابی به عدالت مطلوب به حساب می‌آید که سیاست‌گذاران آموزشی

باید بدان توجه ویژه‌ای داشته باشند. چالش‌ها و موانع موجود در راه تحقق عدالت تربیتی برخی ریشه‌دار، مسبوق به سابقه و منبعث از زمینه تاریخی و فرهنگی جوامع است و برخی دیگر نوپدید و حاصل پیشرفت‌های فناوری و تغییر سیاست‌های کلان هر جامعه است (یاری‌قلی، ۱۳۹۳).

با وجود این تأکیدات و نیز آثار بی‌شماری که در زمینه عدالت تربیتی آفریده شده است، تحقق آن در سطح عمل هنوز چندان که باید رضایت‌بخش نبوده است. امروزه منتقدان در سطح جهانی و به‌خصوص در کشورهای سرمایه‌داری، مدرسه را به‌عنوان یکی از ارکان مهم بازتولید روابط نابرابر قدرت و تثبیت نابرابری اقتصادی، اجتماعی و جنسیتی مورد نقد قرار می‌دهند و معتقدند که نظام‌های آموزشی در این کشورها نه تنها کمکی به تحقق عدالت تربیتی نکرده‌اند، بلکه در قالب ایدئولوژی‌های مختلف مانع تحقق آن نیز شده‌اند.^۱ در کشور ما نیز تحقیقات مختلف نشان از وجود نابرابری در بهره‌گیری از فرصت‌های آموزشی است (بابادی عکاشه و همکاران، ۱۳۸۷؛ مرادی، ۱۳۸۲؛ بستانی و کریمیان، ۱۳۸۹). با در نظر داشتن به این نابرابری و نقش آنها در ایجاد نابرابری در سطح درآمد (افقه و دیگران، ۱۳۹۴) می‌توان به تأثیر مخرب این نابرابری آموزشی بر ایجاد نابرابری اجتماعی و اقتصادی نیز پی برد. نقد نابرابری‌های تربیتی به‌تنهایی نمی‌تواند زمینه‌ساز تحقق عدالت تربیتی باشد و برای ایجاد فرصت لازم جهت تحقق عدالت تربیتی نیاز به ارائه راهکارهای عملی براساس مبانی نظری متقن و سازوار است. برای رسیدن به این هدف نیاز است تا در وهله اول نظریه‌ای از عدالت مبنای فعالیت نهادهای آموزشی قرار گیرد که با مبانی اسلامی سازواری بیشتری دارد و در وهله دوم نیز خود این نظریه براساس مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی متقن و سازواری بنا نهاده شده باشد. پژوهش حاضر با نظر به چنین هدفی سعی دارد تا در وهله اول در بطن نظریات عدالت تربیتی برگرفته از مبانی اسلامی، به ارائه نظریه‌ای در باب عدالت تربیتی پردازد.

فیلسوفان و نظریه‌پردازان مختلفی در ارتباط با عدالت سخن گفته‌اند، اما در پژوهش حاضر، شهید مطهری انتخاب شده است چون از متفکران مهم جمهوری اسلامی ایران و از اندیشمندان مسلمان است که با دیدگاه فلسفی و دینی به بررسی نظریه عدالت اجتماعی پرداخته است و در این حوزه اندیشه‌های مهم و تأثیرگذاری است. شهید مطهری سعی دارد تا در بطن نظریات اسلامی برگرفته از فقه شیعی به مقایسه آنها با نظریات روز در سطح جهان (همانند مارکسیسم و لیبرالیسم)

۱ - برای مثال می‌توان به نقدهای متفکران موسوم به تعلیم و تربیت انتقادی Critical Pedagogy همانند هنری ژيرو، مابکل اپل و... اشاره کرد.

بپردازد. لذا نظریات ایشان از طرفی، واجد پویایی است و بسیاری از مسائل جهان اسلام را در نظر دارد و از طرفی نسبت به نظریات دیگر عدالت، بی تفاوت نیست. بر این اساس در این پژوهش برای ایجاد یک نظریه درباره عدالت تربیتی مشتمل بر مفهوم، مبنا، اهداف و اصول عدالت تربیتی نظریات شهید مطهری درباره عدالت و عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

سؤالات پژوهش

۱. مفهوم عدالت تربیتی از دیدگاه شهید مطهری چیست؟
۲. مبانی عدالت تربیتی برآمده در دیدگاه شهید مطهری چیست؟
۳. اهداف برآمده از مبانی عدالت تربیتی در دیدگاه شهید مطهری چیست؟
۴. اصول برآمده از مبانی عدالت تربیتی در دیدگاه شهید مطهری چیست؟

روش پژوهش

روش‌های مورداستفاده در این پژوهش به شرح زیر است:

سؤال اول: برای اخذ مفهوم عدالت تربیتی، روش تحلیل مفهوم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در روش تحلیل مفهوم سعی بر آن است که در بطن نظریه عدالت اجتماعی شهید مطهری به بررسی مفهوم عدالت تربیتی پرداخته شود. برای تحقق این هدف سعی بر آن است تا به بررسی ارتباط معنایی مفهوم عدالت تربیتی و مفاهیم مترادف (برابری، قسط و... و متضاد (ظلم، عدم توازن و...) با آن در آثار شهید مطهری پرداخته شود، بنابراین، در این قسمت سعی بر آن است تا براساس نظریات شهید مطهری، مفهوم پردازی شود یعنی سعی بر آن است تا در بطن نظریات شهید مطهری، مفهوم عدالت تربیتی و عناصر مختلف آن مورد بررسی قرار گیرند.

سؤال دوم درباره استخراج مبانی عدالت تربیتی با تکیه بر نظریه عدالت اجتماعی شهید مطهری، با استفاده از روش تحلیلی و تفسیری است. در این روش پس از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز و مرتبط (شامل مقاله‌ها و کتاب‌های مورد نظر) و بازخوانی آنها تلاش می‌شود با استفاده از قواعد تفسیر متن به عنوان روش مطالعه و نزدیک کردن معنای آن به فهم مخاطب، بینشی تازه ارائه شود. جامعه آماری مجموعه منابع عدالت اجتماعی شهید مطهری شامل کتاب‌ها و مقالات مرتبط است و

ابزار گردآوری اطلاعات، فیش‌هایی است که از طریق مطالعه متون فراهم آمده است. سؤال سوم و چهارم نیل به اهداف و اصول عدالت تربیتی، با استفاده از روش استنتاج، از مبانی عدالت تربیتی انجام می‌شود. در این سؤال نیز از روش بازسازی شده فرانکنا استفاده خواهد شد و سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از اصول بنیادین و گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی و الهیاتی، اصول فلسفی راهنمای تعلیم و تربیت در زمینه عدالت تربیتی مورد بررسی قرار گیرند (مراحل میانی الگوی اصلاح‌شده استنتاجی فرانکنا).

بررسی سؤال اول پژوهش: مفهوم عدالت تربیتی از دیدگاه شهید مطهری چیست؟

۱- فرصت‌های آموزشی برابر

یکی از تعابیر اصلی در بحث عدالت اجتماعی مطهری، تعبیر تساوی و نفی هرگونه تبعیض است. طبق نظر مطهری (۱۳۷۶) «بین عدل و مساوات، هیچ تفاوتی نیست. به تعبیر ایشان، اگر اعطای بالسویه، عدل باشد، منع بالسویه هم عدل خواهد بود» (مطهری، ۱۳۷۶: ۵۶).

مطهری (۱۳۵۸) در دیدگاه عدالت اجتماعی خود معتقد است «حقیقت این است که جامعه عادل و متعادل، جامعه‌ای که قانون مساوات بر آن حکم فرماست، جامعه‌ای که اولاً امکانات مساوی برای همه افراد فراهم می‌کند که در یک مسابقه علمی و قهرمانی صحیح معمولاً رفتار می‌شود، جامعه‌ای که مطابق دستور رسول اکرم (ص) از نظر امکانات مساوی همه «کاسنان» «المشط» مانند دندانه‌های شانه باشند. از نظر مطهری (۱۳۵۸) همان‌طور که در مسابقه‌ها، میدان مسابقه باید هموار باشد، مساوی و هم‌سطح باشد، برای همه یک‌جور باشد، امکانات اجتماعی باید برای همه بالسویه فراهم شود، تا آنجا که به میدان مسابقه، یعنی امکانات اجتماعی مربوط است، همه مساوی هستند و باید مساوی باشند» (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۲۳ - ۱۲۲).

تعبیر تساوی و مساوات حقیقی در دیدگاه عدالت اجتماعی مطهری، قابل تعمیم در عدالت تربیتی ایشان نیز هست. مطهری (۱۳۵۸) در این باب معتقد است: «مساوات این است که امکان تحصیل علم باید برای همه فراهم باشد، همه بتوانند به مدرسه بروند، امکانات تحصیلات عالی برای همه فراهم باشد نه اینکه برای یکی امکان درس خواندن باشد و برای دیگری نباشد، برای یکی وسایل تحصیلات عالی فراهم باشد، برای دیگری نباشد، آن‌طور امکانات به‌طور مساوی برای همه فراهم باشد که مثلاً برای فرزند فلان دهقان که در فلان گوشه کشور است و استعداد علمی و اجتماعی نهفته‌ای در وجودش هست، وسایل فراهم باشد که تدریجاً بتواند پله پله و

درجه به درجه مقامات را طی کند تا برسد مثلاً به مقام تخصص در یک رشته علمی و اگر استعداد اجتماعی اش خوب است برسد به مقام فلان وزارت. تبعیض و تفاوت ناروا این است که از لحاظ امکانات و شرایط عمل، همه افراد مساوی نباشند، برای یکی امکان بالارفتن بر نردبان ترقی باشد، برای دیگری نباشد، یکی محکوم باشد به پایین ماندن و دیگری با همه عدم لیاقت دستش را بگیرند و بر صدر مجلس اجتماع بنشانند.

بر این اساس، یکی از مفاهیم اصلی در صورت بندی عدالت تربیتی در دیدگاه مطهری، اختصاص به تساوی و برابری در بهره مندی از فرصت های آموزشی است، یعنی برای تحقق عدالت تربیتی در نظام تعلیم و تربیت، توجه به فرصت های برابر و فراهم کردن امکانات برای همه فراگیران ضروری است.

۲- معیار استحقاق با توجه به تلاش و استعدادهای متریبان

یکی از تعابیر اصلی و اساسی در دیدگاه عدالت اجتماعی مطهری، رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی حق است. مطهری، عدالت را به رعایت حقوق افراد و اعطا کردن حق به ذی حق تعریف می کند. در این معنا عدل در برابر ظلم (پایمال کردن حق دیگری) قرار می گیرد. معنای حقیقی عدالت اجتماعی بشری، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند، همین معناست. مطهری این کلام امام علی (ع) در تعریف عدالت را که می فرماید: «العدل یضع الامور مواضعها» عدل هر چیزی را در جا و محل خود قرار می دهد، مؤید معنای اختیاری خویش قرار می دهد (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۲۰). بر این اساس، مطهری در یک معنا، عدل را به معنای رعایت استحقاق ها در نظر می گیرد؛ یعنی هر صاحب حقی را به حقش رساندن و یا به تعبیر معروف «اعطاء کل ذی حق حقه». به عبارت دیگر، به هر کس هر آنچه شایسته آن است را دادن و مقابل آن ظلم یعنی هرج و مرج و ناحق و باطل را لباس حق پوشاندن (موسوی، ۱۳۸۰).

از نظر مطهری «افراد بشر در دنیا، بر اساس خلقت خودشان و فعالیت هایی که می کنند و استعدادهایی که از خود نشان می دهند، استحقاق می یابند. عدالت یعنی اینکه به قدر استحقاق هر کسی به او داده شود. اگر این قدر به او داده نشود، این ظلم است و اگر میان دو نفر در شرایط مساوی، به یکی موهبتی داده شود و از دیگری دریغ شود، این تبعیض است» (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۵۴ - ۲۵۳) ایشان در بحث عدم تعارض مساوات و استحقاق به نکته ای اشاره می کند

«عدالت، مستلزم مساوات مطلق نیست، بلکه مقتضای مساوات است، به این معنا که مثلاً در رقابت عده‌ای از دانشجویان در یک آزمون، دادن نمره مساوی به همه آنها به معنای عدالت نخواهد بود، زیرا باعث نفی اصل آزمون می‌گردد، اما قراردادن آنها در شرایط حقوقی یکسان و مساوی، عین عدالت است. بدیهی است که در چنین وضعیتی، هر کس بر اساس لیاقت و استعدادی که دارد، سزاوار کسب امتیاز می‌شود» (مطهری، ۱۳۵۷: ۴۴).

همچنین مطهری (۱۳۵۸) اذعان می‌کند «مقتضای عدالت این است که فراگیرانی که در یک امتحان شرکت می‌کنند به هر کدام همان نمره‌ای داده شود که مستحق آن نمره است. مقتضای عدالت این نیست که به همه مساوی نمره داده شود و گفته شود باید به همه یک‌جور نمره داده شود والا تبعیض می‌شود و تبعیض ظلم است؛ برعکس، اگر به همه نمره مساوی داده شود حق ذی‌حق پایمال شده و این ظلم است. مقتضای عدالت این است که در مسابقات قهرمانی استعداد و لیاقت و هنرنمایی ملاک تقدم و تأخر قرار گیرد. مقتضای عدالت این نیست که هنرمند و بی‌هنر را به یک چشم ببینند و فرقی بین بااستعداد و بی‌استعداد نگذارند. این‌جور مساوات‌ها عین ظلم و بی‌عدالتی است و آن‌جور تفاوت‌ها که بر مبنای لیاقت و استعداد یا فعالیت و کار است عین عدالت و دادگستری است. این است فرق بین تبعیض‌های روا و ناروا و این است معنی آن جمله که در تعریف عدالت گفته‌اند «العدالة اعطاء كل ذي حق حقه». عدالت این است که حق هر ذی‌حقی به خودش برسد. بر این اساس در صورت‌بندی دوم مفهوم عدالت تربیتی از نظر مطهری، عدالت در تعلیم و تربیت رعایت استحقاق‌هاست که موجب اختصاص از بهره‌مندی‌ها در تعلیم و تربیت است یعنی فراگیران به واسطه تلاش و کوشش خود، مستحق برخورداری از امکانات و مواهب می‌شوند، یا به عبارتی می‌توان گفت تلاش آنها نیازمند زمینه و بستر مناسب است و بدون فراهم شدن آن، تلاش افراد به وقوع نمی‌رسد.

۳- جبران کمبودهای متریبان نیازمند توجه خاص

از نظر مطهری، عدل به معنای توازن و تعادل در یک جامعه یا یک مجموعه در مقابل ظلم به معنای بی‌تناسبی و ناموزونی و ناهم‌سویی است (موسوی، ۱۳۸۰). مطهری از ویژگی توازن در باب اجتماع انسانی، یا شرایط فیزیکی و شیمیایی تعبیر به تعادل می‌کند و با آیه شریفه «و السماء رفعها و وضع المیزان» (سوره الرحمن - آیه ۷) و حدیث نبوی «بالعدل قامت السموات و الارض» عدل را در عالم وجود به «میزان» تعبیر می‌کند. بدیهی است این تعادل، قوام و ثبات را در پی خواهد

داشت.

شهید مطهری ذیل عنوان نظام توزیع، در سه مرحله توزیع برابر امکانات اولیه، توزیع متناسب با استحقاق افراد و بازتوزیع به منظور ایجاد توازن اجتماعی و توجه به طبقه ضعیف جامعه را جزء معیارهای عدالت توزیعی قلمداد می‌کنند. از نظر باقری (۱۳۸۵) تبیین معیارهای عدالت در تعلیم و تربیت و توزیع امکانات آموزشی، نیازمند تبیین ملاک‌های بهره‌مندی و عدالت توزیعی است. طبق آثار مطهری، تلاش و استحقاق‌های ذاتی می‌توانند به منزله معیارهای بهره‌مندی افراد و توزیع منابع و امکانات تلقی شوند (باقری، ۱۳۸۵: ۲۱).

بر مبنای آنچه در دیدگاه عدالت اجتماعی مطهری در باب موزون‌بودن اشاره شد، این معیار را می‌توان در مباحث عدالت تربیتی از دیدگاه ایشان مورد تأکید قرار داد و در صورت‌بندی عدالت تربیتی ملحوظ کرد. از جمله توجه به اقشار فرودست جامعه که از نظر اقتصادی و مواهب اجتماعی و ذاتی نیاز به توجه بیشتری دارند، لذا نظام آموزش پرورش عدالت‌محور باید اقشار اجتماعی که از لحاظ اقتصادی توان تأمین هزینه‌های تحصیل را ندارند و همچنین افرادی را که از نظر مواهب ذاتی دچار ضعف و ناتوانی‌های جسمی می‌باشند، در بستری مناسب برخوردار از فرصت‌های آموزشی برابر با سایر افراد قرار دهد تا امکان رشد برای آنها همچون سایرین فراهم شود.

۴- تلازم استعداد و وظایف متریبان

از نظر مطهری (۱۳۸۳) حق و تکلیف در اسلام همدوش یکدیگرند و این یعنی حقوق بهره‌ها و نمره‌هایی است که متناسب با مسابقه تکلیف و وظیفه، نصیب اشخاص می‌شود. میدان مسابقه، همان میدان وظیفه و تکلیف است. اگر اصل همدوشی حق و تکلیف را در اسلام بشناسیم و این مطلب را درک کنیم که مسابقه زندگی یعنی مسابقه انجام وظیفه و تکلیف «و ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری» جایزه مسابقه هم بهره‌مندشدن از حقوق اجتماعی است، لذا به بزرگ‌ترین مبنای حقوق اجتماعی اسلام پی برده‌ایم و این مبنایمانند چراغی روشن، راهنمای ما در همه مسائل خواهد بود و ما را از بسیاری از ظلمت‌ها نجات خواهد داد (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۳: ۱۲۸ - ۱۲۷)، پس دانسته می‌شود که حق و تکلیف، دو روی یک سکه‌اند و حق و تکلیف ملازم هم هستند و حتی از رابطه غایی انسان و مواهب طبیعی نیز می‌توان مسئولیت و تکلیف را کاملاً فهم کرد و از دیدگاه شهید مطهری آن امانت الهی که بر انسان‌ها عرضه شد و پذیرفتند همان «تکلیف» است که براساس استعدادها و استحقاق‌ها و ظرفیت‌های بزرگ انسان تفسیرپذیر است (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

- ۱۲۷). براین اساس یکی از محورهای اصلی عدالت در تعلیم و تربیت، توجه به پیوند حق و تکلیف است؛ بدین معنا که تکالیف براساس استعدادها و استحقاقها و ظرفیت‌های مختلف متریان، متفاوت خواهد بود و سعی بر آن است تا همه فراگیران را در یک صف برابر با امکانات و موقعیت‌های یکسان، صرف‌نظر از تفاوت‌ها قرار داده و با توجه به میزان استعدادها و توانایی هر یک از متریان، آنها را موظف و متکلف به انجام امور تربیتی قرار دهد. بدین معنا نه تنها راه برای مستعدین باز است، بلکه نظام تعلیم و تربیت باید مطالبات بیشتری را بر دوش نخبگان توانمند قرار دهد.

بررسی سؤال دوم پژوهش: مبانی عدالت تربیتی با توجه به مبانی عدالت اجتماعی شهید

مطهری چیست؟

مبانی هستی‌شناسی:

۱- برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، مصداق برخورداری از فیض عام خداوند است از نظر مطهری، مفهوم حق و استحقاق درباره اشیاء نسبت به خداوند عبارت است از نیاز و امکان وجود یا کمال وجود. هر موجودی که امکان وجود یا امکان نوعی از کمال وجود داشته باشد، خداوند متعال به حکم آنکه تام الفاعلیه و واجب الفیاضیه است، افاضه وجود یا کمال وجود می‌نماید. عدل خداوند عبارت است از فیض عام و بخشش گسترده در مورد همه موجوداتی که امکان هستی یا کمال در هستی دارند، بدون هیچ‌گونه امساک یا تبعیض (مطهری، ۱۳۵۷: ۶۶). نظریه‌اینکه شهید مطهری در مبانی هستی‌شناسی عدالت، عدل را شامل فیض عام خداوند نسبت به تمام موجودات عالم قلمداد می‌کند، براین اساس، می‌توان استنباط کرد در مبانی عدالت تربیتی مأخوذ از این گزاره هستی‌شناسی، برخورداری انسان از تعلیم و تربیت مصداق برخورداری از فیض عام خداوند است.

۲- برخورداری انسان از تعلیم و تربیت یکی از جلوه‌های توازن در هستی به منزله اصل حاکم بر جهان آفرینش است.

از منظر شهید مطهری، عدالت تکیه بر مفهوم تناسب در جهان دارد، چون خداوند در قرآن می‌فرماید که آسمان و زمین را بر مبنای میزانی آفریده است و دستور فرموده است که این میزان باید رعایت شود و نباید از آن تعدی شود (الرحمن، ۹ - ۷). از نظر ایشان، عدالت ریشه در میزان و توازن کائنات دارد و رعایت عدالت انسان را با این توازن همسو می‌گرداند (مطهری، ۱۳۷۰). از نظر

ایشان، طبق اصل غایت‌مندی جهان آفرینش، خداوند جهان طبیعت را برای انسان‌ها آفریده و همه آنها دارای حق بالقوه‌اند؛ یعنی هرکس صلاحیت دارد از آن بهره‌برداری کند. همینکه فرد در طبیعت کار کند و از آن بهره‌برد، صاحب حق می‌شود. حقوق طبیعی از فطرت انسان و نظام طبیعت و خلقت برمی‌خیزد و تابع وضع واضح و اعتبار کسی نیست. این حقوق از رابطه میان انسان و غایت اشیاء به دست می‌آید. به بیان دیگر، حقوق طبیعی، رابطه‌ای تکوینی میان حق و ذی‌حق را نشان می‌دهد. رابطه حق با ذی‌حق هم از نوع رابطه غایی است. آفرینش یک سلسله موجودات در طبیعت برای انسان، سبب می‌شود که وی در بهره‌گیری از آنها ذی‌حق شود. برای مثال، حق تحصیل، فکر کردن و رأی‌دادن به‌عنوان استعدادی طبیعی مختص انسان است، نه موجودات دیگر. در واقع، اصل، غایت مبنای حقوق طبیعی است (مطهری، ۱۳۶۸: ج ۱۹: ۱۵۸). لذا براساس این گزاره هستی‌شناسی مطهری، برخورداری انسان از تعلیم و تربیت یکی از جلوه‌های توازن در هستی به‌منزله اصل حاکم بر جهان آفرینش است که می‌توان به‌عنوان یکی از مبانی مهم در عدالت تربیتی ملحوظ کرد.

۳- برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، جنبه‌ای از تحقق عدالت فردی است.

از منظر مطهری (۱۳۷۷) «آیا امکان دارد که در یک جامعه همه انسان‌ها عهده‌دار و کالت شوند. افزون‌براین، انسان‌ها از لحاظ استعداد و امکانات، مساوی خلق نشده‌اند. گروهی استعداد هنری دارند، گروهی استعداد نویسندگی دارند، گروهی در فعالیت‌های اجتماعی و... موفق‌ترند. با این توضیحات، روشن می‌شود که اگر عدالت را به معنای مساوات بگیرند، نوعی ظلم و تجاوز خواهد بود و نابودی اجتماع را به همراه خواهد داشت. استاد مطهری معتقد است این نوع عدالت عین ظلم خواهد بود (مطهری، ۱۳۷۷: ۵۶). براین اساس، از نظر مطهری، عدالت در تعلیم و تربیت رعایت استحقاق‌هاست؛ یعنی فراگیران به‌واسطه تلاش خود، مستحق برخورداری از امکانات و مواهب می‌شوند. یا به عبارتی می‌توان گفت تلاش آنها نیازمند زمینه و بستر مناسب است و بدون فراهم شدن آن، تلاش افراد به‌وقوع نمی‌رسد. لذا برخورداری انسان از تعلیم و تربیت و توجه به تفاوت‌های فردی، جنبه‌ای از تحقق عدالت تربیتی است.

۴- برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی است.

از نظر مطهری «عدل در اجتماع، به‌منزله پایه‌های ساختمان است و احسان از نظر اجتماع به‌منزله رنگ آمیزی و نقاشی و زینت ساختمان است. اول باید پایه درست باشد، بعد نوبت به زینت و

رنگ آمیزی و نقاشی می‌رسد. اگر خانه از پای‌بست ویران است، دیگر چه فایده که «خواجه در بند نقش ایوان باشد»، اما اگر پایه محکم باشد در ساختمان بی‌نقاشی و بی‌رنگ آمیزی هم می‌توان زندگی کرد. ممکن است ساختمان فوق‌العاده نقاشی خوب داشته باشد و ظاهرش جالب باشد، اما چون پایه خراب است یک باران کافی است آن را بر سر اهلش خراب کند. از نظر مطهری، جامعه را هرگز با وجود و احسان نمی‌توان اداره کرد، پایه سازمان اجتماع، عدل است» (مطهری، ۱۳۵۸: ۹-۸). باتوجه به اینکه، رعایت عدالت، مهم‌ترین نقش را در پیشرفت همه‌جانبه و پایدار اجتماعی برعهده دارد، لذا تعلیم و تربیت صحیح و عادلانه، می‌تواند زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی شود. در این مسیر از سویی باید فرصت‌های مساوی برای همگان باتوجه به ویژگی‌های مشترک قرار داد و از سوی دیگر، باید حقوق آموزشی و پرورشی را در نظام تعلیم و تربیت مورد توجه قرار داد. براین اساس، در دیدگاه شهید مطهری، برخورداری از تعلیم و تربیت به‌عنوان یکی از مبانی مهم و اصیل عدالت تربیتی، لحاظ شده است که زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی است.

مبانی انسان‌شناسی

۱- تعلیم و تربیت، مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز رشد فطریات انسانی است.

مطهری در مبنای انسان‌شناختی معتقد است در وجود انسان از سوی خداوند متعال، ویژگی‌هایی قرار داده شده است که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند. مطهری (۱۳۶۱) در مورد انسان، نظریه فطرت را مطرح کرده است. براساس این نظریه، انسانیت انسان به فطرت اوست و آن متشکل از ادراک‌ها و گرایش‌های ریشه‌دار در نوع آدمی است. ادراک‌های بدیهی (همچون اینکه کل از جزء بزرگ‌تر است) و گرایش‌هایی چون خداجویی، حقیقت‌طلبی، عدالت‌طلبی، زیبایی‌طلبی و گرایش به خیر، فطرت آدمی را تشکیل می‌دهند (مطهری، ۱۳۶۱ به نقل از باقری، ۱۳۸۲). مطهری اعتقاد داشت وضعیت زندگی آدمی باید به‌گونه‌ای سامان یابد که این ویژگی‌ها که به‌مثابه بذرهایی است که در زمین آفرینش انسان وجود دارد، رشد کند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳).

مطهری فطرت انسانی را بیان‌کننده مدل انسان تربیت‌شده اسلامی قلمداد می‌کند، چون مدل انسان اسلامی عصاره همه موجودات و خلیفه خدا روی زمین است که دارای خلافت تکوینی، اختیار، قدرت و بالأخره عدالت‌خواهی است. عدالت‌خواهی و گرایش به عدل و تنفر از بدی و ستم، جزئی از ساختار وجودی انسان است، از این‌روست که عدل و عادل و عدالت‌گستر را فطرتاً دوست دارد و این دوست‌داشتن را بدون آنکه آموزشی در این باب دیده باشد یا تجربه‌ای کسب

کرده باشد، به مثابه امری پیش از تجربه مورد توجه قرار می‌دهد. مطهری می‌کوشد تا ثابت کند انسان عکس‌العمل محیط یا لوح نانوخته نمی‌باشد، بلکه چراغی است که در او فروغ الهی به نام فطرت وجود دارد (نگارش، ۱۳۸۶).

براین اساس، در بحث مبانی انسان‌شناسی عدالت تربیتی شهید مطهری، می‌توان اذعان کرد عدالت‌خواهی از مهم‌ترین گرایش‌های فطری انسان است؛ لذا فراگیران، فطرتی الهی دارند که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است، این فطرت می‌تواند فعلیت یافته، صیقل بخورد و توسعه پذیرد و می‌تواند به فراموشی سپرده شود. فطرت که شامل شناخت‌ها و گرایش‌های متعالی و غیراکتسابی است، همواره در انتظار تحقق خارجی و ظهور (فعلیت) و شکوفایی می‌ماند که در این زمینه، تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل رشد فطریات انسانی است.

۲- تعلیم و تربیت ابزار اصلی رشد، تعقل و اراده به‌عنوان ویژگی‌های ایجادکننده کرامت انسانی است.

از نظر مطهری، «آشنایی به حقوق، بشر را به حرکت درمی‌آورد و به او شور و هیجان و نشاط می‌دهد» (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۳: ۲۲۳). اگر در اسلام مواردی چون دفاع از مال، ناموس و جان، ارزشمند تلقی شده است، به‌علت اهمیت دفاع از حقوق است. از نظر مطهری (۱۳۷۷) «اهمال حفظ حقوق و تسلیم تجاوزبودن، مخالف شئون اسلامی و کرامت و عزت‌نفس است» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۳۲). با توجه به این قاعده که باتکیه بر آموزه‌های دینی است، شهید مطهری معتقد بودند می‌توان به معلمان و مربیان توصیه کرد که در رویارویی با دانش‌آموزان و فرزندان، کریمانه برخورد کرد و از هرگونه اقدام ناعادلانه و تحقیرآمیز پرهیز کنند و با ارزش‌قائل شدن به شخصیت و رفتارهای مثبت افراد، آنان را تکریم و حس باارزش‌بودن را در آنان تقویت کنند (ملکی، ۱۳۸۴: ۱۵۷). براین اساس، عدالت‌محوری و رویکرد عادلانه در تربیت از اقتضائات کرامت انسان و عامل بالندگی آن است.

مبنای ارزش‌شناسی

۱- تعلیم و تربیت زمینه‌ساز سعادت انسانی است.

شهید مطهری به «سعادت» به‌عنوان یکی از ارزش‌های اخلاقی معتقد است. از نظر مطهری (۱۳۷۶) «خصوصیت ذاتی بشر است که طوری آفریده شده است که در کارهای خود الزاماً نوعی اندیشه‌ها که آنها را اندیشه اعتباری می‌نامیم، استخدام می‌کند و با استفاده از آن اندیشه‌های

اعتباری به‌عنوان «آلت فعل» به مقاصد طبیعی خود نائل می‌آید. آن اندیشه‌ها یک سلسله اندیشه‌های انشایی است که با «بایدها» مشخص می‌شود و از آن جمله این است که برای اینکه افراد جامعه به سعادت خود برسند، باید حقوق و اولویت‌ها رعایت شود. این مفهوم عدالت بشری است که وجدان هر فرد آن را تأیید می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۶: ۵۷). براساس نظر مطهری «عدالت با سعادت گره دارد» لذا می‌توان گفت برای نائل شدن به عدالت به‌منزله مهم‌ترین ارزش و سعادت انسان، باید از مسیر تعلیم و تربیت عبور کرد.

۲- تعلیم و تربیت ابزار رشد ارزش‌های اخلاقی است.

از نظر مطهری (۱۳۷۴) «تربیت، ساختن از نوع صنعت نیست و پرورش صرف است. ممکن است کسی بگوید قسمتی از تربیت پرورش است و قسمتی از آن ساختن و یا لاقط بگوید اینجا دو نظریه هست. از نظر علمای تربیت قدیم در این جهت شک و تردیدی نیست که قسمتی از اخلاقیات را باید در وجود بشر تکوین کرد و به اصطلاح باید آن فضایل را به‌صورت ملکات در او ایجاد کرد. از نظر علمای قدیم آدم تربیت‌شده، آدمی است که آنچه فضیلت نامیده می‌شود، در او به‌صورت خوی و ملکه درآمده باشد و مادامی که یک فضیلت به‌صورت ملکه درنیامده باشد یا به طبیعت ثانوی انسان بدل نشده باشد، حال است نه فضیلت؛ زیرا برای انسان امری زایل‌شدنی است، باید ملکه شود تا زوالش مشکل باشد» (مطهری، ۱۳۷۴: ۴۸ - ۴۷). بدین ترتیب رشد ارزش‌های اخلاقی مستلزم تعلیم و تربیت است.

اهداف عدالت تربیتی

هدف، یکی از عناصر اصلی و اساسی تعلیم و تربیت است. هدف در تعلیم و تربیت به‌معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به‌طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد و منظور ما از اهداف عدالت تربیتی مقاصد ما در اجرای عدالت تربیتی است که با تحقق آن یکی از جنبه‌های عدالت اجتماعی محقق می‌گردد. لذا با توجه به اهمیت و ارزش اهداف در نهاد تعلیم و تربیت، در این بخش سعی خواهد شد براساس مبانی عدالت تربیتی شهید مطهری به‌عنوان گزاره‌های توصیفی، به استخراج گزاره‌های تجویزی در قالب اهداف عدالت تربیتی در دیدگاه شهید مطهری بپردازیم. هدف‌های عدالت تربیتی در سه سطح از خرد تا کلان قابل ارائه هستند. هدف خرد نزدیک‌ترین هدف و مربوط به انسان، هدف میانی مربوط به جامعه و هدف کلان مربوط به نظام هستی است.

هدف کلان: زمینه‌سازی و کمک به تحقق توازن و فیض عام در عالم آفرینش
 یکی از اهداف کلان در نظریه شهید مطهری، زمینه‌سازی و کمک به تحقق توازن و فیض عام در عالم آفرینش است. این هدف از مبانی هستی‌شناسی «برخورداری انسان از آموزش و پرورش یکی از جلوه‌های توازن در هستی به منزله اصل حاکم بر جهان آفرینش است» و «برخورداری انسان از تعلیم و تربیت یکی از جلوه‌های توازن در هستی به منزله اصل حاکم بر جهان آفرینش است» اخذ شده است. از نظر مطهری (۱۳۵۷) عدل خداوند عبارت است از فیض عام و بخشش گسترده در مورد همه موجوداتی که امکان هستی یا کمال در هستی دارند، بدون هیچ‌گونه امساک یا تبعیض (مطهری، ۱۳۵۷: ۶۶). براین مبنا، عدالت باید تحقق یابد تا به حفظ توازن در عالم آفرینش کمک کند. مطهری در این ارتباط تصریح می‌کند «اگر یک اجتماع بخواهد باقی و برقرار بماند، باید متعادل باشد؛ یعنی هر چیزی در آن به قدر لازم (نه به قدر مساوی) وجود داشته باشد. از جهت تعادل اجتماعی باید میزان احتیاجات ارزیابی شود و متناسب با آن احتیاجات، بودجه و نیرو مصرف شود. نقطه مقابل عدل بدین معنی، بی‌تناسبی است، نه ظلم و جهان هستی سراسر آراسته به این تعادل و موزونی می‌باشد» (قلیچ، ۱۳۸۹: ۱۵۳). با نظر به دیدگاه مطهری، هدف کلی عدالت تربیتی، زمینه‌سازی و کمک به تحقق توازن در عالم آفرینش است.

هدف میانه: زمینه‌سازی برای تحقق عدالت اجتماعی

از اهداف میانه‌ای عدالت تربیتی شهید مطهری، زمینه‌سازی برای تحقق عدالت اجتماعی است که از مبانی هستی‌شناسی «برخورداری از آموزش و پرورش، جنبه‌ای از تحقق عدالت فردی و زمینه‌ساز عدالت اجتماعی است» مأخوذ شده است. براین مبنا، عدالت تربیتی باید تحقق یابد تا زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد. مطهری در این رابطه معتقد است «اگرچه فرد و اجتماع هر دو حقیقی و ذی‌حقند؛ اما حق اجتماع بر حق فرد در صورت تراحم مقدم است. در دیدگاه وی اجتماع وجودی مرکب و حقیقی دارد به نام حیات، زیرا اجتماع دارای حیات، موت و وحدت است. مبنای حقوق نیز در اندیشه مطهری، توجه طبیعت به غایت است، بنابراین، از آنجاکه اجتماع، امری حقیقی است و از غایات طبیعت به‌شمار می‌رود، ذی‌حق خواهد بود. از آنجاکه حیات انسان به جامعه وابسته است، گاه ممکن است با توجه به غایتی که در طبیعت دنبال می‌شود، مصالح جامعه بر مصالح فردی مقدم شود، زیرا خیر و مصلحت جامعه خیر تمامی افراد جامعه است» (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۳۶ - ۲۳۵). از نظر مطهری، اصلاح اجتماعی بدون برپاداشتن عدالت ایجاد نخواهد گشت.

مطهری در باب عدالت در جامعه اظهار نظر می‌کند: «اگر حقوق مردم محفوظ و جامعه عادل و متعادل باشد و تبعیض، محرومیت و احساس مغبونیت در مردم نباشد، زمینه برای وقوع معاصی و اخلاق رذیله و شیوع عقاید ناپاک کم‌تر است و آیه ۲۵ سوره حدید در قرآن را به این بحث ناظر می‌داند» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۶: ۲۱۶). بر این اساس، یکی از اهداف میانی عدالت تربیتی زمینه‌سازی برای تحقق عدالت اجتماعی است؛ از آن حیث که این امکان را فراهم می‌سازد تا تمام افراد در جامعه، جایگاه بایسته خود را پیدا نمایند.

هدف خرد: تحقق رشد و کمال انسانی در هر متربی

از اهداف خرد عدالت تربیتی شهید مطهری، تحقق رشد و کمال انسانی در هر متربی است؛ یعنی هر انسانی باید به رشد و کمال انسانی خود برسد. این هدف از مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی، برآیند هر سه گزاره «پرورش فطریات، پرورش کرامت انسانی، پرورش ارزش‌های اخلاقی و راهیابی به سعادت» اخذ شده است؛ یعنی عدالت تربیتی باید تحقق یابد تا رشد و کمال انسانی تحقق یابد. مطهری در این رابطه در دیدگاه‌های خود معتقد است «رابطه حق و ذی‌حق از نوع روابط غائی بوده و جزء حقوق طبیعی به حساب می‌آید، لذا آفرینش یک سلسله از موجودات در هستی باعث می‌شود تا انسان‌ها در بهره‌مندی از آنها دارای حق باشند و عدالت آن است که انسان‌ها در بهره‌مندی از این موجودات با هم یکسان باشند و این حق برای تمامی انسان‌ها در نظر گرفته شده است. مطهری (۱۳۶۸) معتقد است «مساوات به معنای برابری مطلق نیست؛ چرا که برابری مطلق در اقتصاد، تبدیل به ظلم می‌شود. پس اگر عدالت را به معنای مساوات بگیریم و مساوات را به معنای برابری مطلق؛ این اولاً شدنی نیست، ثانیاً ظلم و تجاوز است و عدالت نیست، ثالثاً اجتماع خراب‌کن است، زیرا در نظام طبیعت خدادادی میان انسان‌ها تفاوت و تمایز وجود دارد. این اختلاف سطح‌ها و تفاوت‌هاست که حرکت را به وجود آورده است و مایه جذب انسان‌ها به همدیگر شده است» (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۰۹). از نظر مطهری (۱۳۷۷) لازمه نظام داشتن هستی، وجود مراتب مختلف و درجات متفاوت برای هستی است و همین مطلب منشأ پیدایش تفاوت‌ها و اختلاف‌ها و پیدایش نیست‌ها و نقص‌هاست (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۴۳) بنابراین، مفهوم عدالت بدین معنا نیست که همه مردم از همه نظر در یک حد و مرتبه باشند. جامعه خودبه‌خود مقامات و درجات دارد و باید تقسیم‌بندی شود و راه منحصر آن آزاد گذاشتن افراد و زمینه مسابقه را فراهم کردن برای آنان است (قلیچ، ۱۳۸۹: ۱۵۳) با نظر به این مفهوم، از نظر مطهری، عدالت تربیتی

این امکان را برای تمامی متریبان صرف نظر از ویژگی های فردی و اجتماعی فراهم می سازد تا به رشد همه جانبه دست پیدا نمایند.

ارتباط با مبانی	اهداف	سطوح اهداف
- برخورداری انسان از تعلیم و تربیت مصداق برخورداری از فیض عام خداوند است. - برخورداری انسان از تعلیم و تربیت یکی از جلوه های توازن در هستی به منزله اصل حاکم بر جهان آفرینش است.	زمینه سازی و کمک به تحقق توازن و فیض عام در عالم آفرینش	هدف کلان
- برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، جنبه ای از تحقق عدالت فردی است. - برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، زمینه ساز تحقق عدالت اجتماعی است.	زمینه سازی برای تحقق عدالت اجتماعی	هدف مبانی
مبانی انسان شناسی و ارزش شناسی برآیند هر سه گزاره؛ پرورش فطریات، پرورش کرامت انسانی، پرورش ارزش های اخلاقی و راه یابی به سعادت	تحقق رشد و کمال انسانی در هر متریبی	هدف خرد

بررسی سؤال سوم: اصول عدالت تربیتی با توجه به مبانی عدالت تربیتی در دیدگاه شهید مطهری چیست؟

آنچه در این سؤال به منزله اصول تربیت در نظر گرفته خواهد شد، مشتمل بر گزاره های تجویزی و قواعد کلی مستخرج از مبانی و اهداف عدالت تربیتی به عنوان گزاره های توصیفی است. اصول تربیتی منتج از مبانی و اهداف عدالت تربیتی شهید مطهری، مجموعه قواعدی خواهد بود که با نظر به قانونمندی های مذکور، اعتبار می شوند و راهنمای عمل قرار می گیرند. لذا اصول عدالت تربیتی حاوی دستورالعمل هایی خواهد بود که به ما خواهند گفت برای رسیدن به مقصود چه باید بکنیم و جنبه تجویزی دربر خواهد داشت. براین مبنا این سؤال در نظر دارد به استخراج گزاره های تجویزی با توجه به گزاره های توصیفی ایشان پردازد که به شرح ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. اصل آموزش همگانی

این اصل از مبانی هستی شناختی «برخورداری از تعلیم و تربیت مصداق برخورداری از فیض عام

خداوند است» و هدف کلان «عدالت باید تحقق یابد تا فیض عام خداوند شامل همه انسان‌ها شود» اخذ شده است. از نظر مطهری (۱۳۵۲) عدل الهی یعنی اینکه خداوند از منبع فیض خود به هر موجودی در جهان اعطا کند که امکان تفضل آن را دارد. همچنین مطهری (۱۳۵۲) عدالت را متکی به دو چیز می‌داند: «یکی حقوق و اولویت‌ها، یعنی افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر، نوعی حقوق و اولویت پیدا می‌کنند؛ دوم، برعکس حقوق طبیعی فردی که آن را به کتاب طبیعت و آفرینش ارجاع می‌دهد، اما حقوق طبیعی اجتماعی بشر را مساوی و مشابه می‌داند در این حالت است که باید با آنها به مساوات رفتار شود. باعنایت به آنچه اشاره شد، می‌توان استنباط کرد از دیدگاه شهید مطهری یکی از اصول ناظر بر مبانی حقوق آموزشی و پرورشی، اصل آموزش همگانی است، لذا عدالت در بعد کمی، مستلزم ایجاد برابری فرصت دسترسی به تربیت رسمی و عمومی برای همه افراد جامعه است و همگان براساس آن حق دارند که به حد نصاب قبولی از آن (متناسب با شرایط و امکانات) دسترسی داشته باشند. موضوع پوشش همگانی تربیت در نظریات شهید مطهری به خوبی منعکس شده است، لذا براساس این اصل، همه آحاد کشور باید حق دسترسی برابر به فرصت‌های برابر را صرف نظر از ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی داشته باشند. براین اساس در دیدگاه مطهری، می‌توان استنباط کرد در نظام‌های آموزشی باید فارغ از تفاوت‌های جنسیتی، قومی، نژادی، زبانی،... همه افراد به صورت برابر و یکسان از امکانات آموزشی برخوردار باشند.

در اینجا برای استنتاج این اصل از دو قیاس استفاده می‌شود که در قیاس اول ما به یک هدف واسطی می‌رسیم و از مقدمه قرارداد آن در قیاس دوم به اصل تربیتی دست پیدا می‌کنیم.

نوع گزاره	موضوع	شرح	عنوان
تجویزی	هدف تربیتی	خداوند متعال به جهت رحمانیتش همه موجودات را مورد فیض خود قرار می‌دهد و در این راستا عدالت تربیتی این امکان را برای همه متریبان فراهم می‌سازد که از این فیض و رحمت الهی که نعمت یادگیری را به انسان‌ها عطا نموده است، استفاده کنند و استعدادها و ویژگی‌های خدادادی خود را شکوفا کنند.	عدالت تربیتی باید تحقق یابد تا فیض عام خداوند شامل همه انسان‌ها شود.
توصیفی	مبانی تربیتی	همان‌طور که خداوند همه مخلوقات را بدون کوچک‌ترین تبعیضی مورد عنایت و رحمت خود قرار می‌دهد، نظام تعلیم و تربیت نیز با تأسی به نظام الهی همه افراد را مورد توجه قرار داده و زمینه استفاده از این ظرفیت‌های درونی را فراهم می‌سازد.	برخورداری از تعلیم و تربیت مصداق برخورداری از فیض عام خداوند است.
تجویزی	اصل تربیتی	اگر می‌خواهیم عدالت تربیتی محقق گردد تا همه انسان‌ها بتوانند از ظرفیت درونی خود که یادگیری و شکوفاسازی استعدادها است، برخوردار شوند باید تعلیم و تربیت برای همه آحاد بشری که این توانایی خدادادی را دارند، فراهم سازد.	تعلیم و تربیت باید شامل همه انسان‌ها شود تا عدالت تربیتی تحقق یابد.

۲. اصل فردیت در آموزش

اصل فردیت در آموزش از مبانی هستی‌شناختی «برخورداری از تعلیم و تربیت جنبه‌ای از تحقق عدالت فردی است» و هدف تربیتی «عدالت تربیتی باید تحقق یابد تا زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد» اخذ شده است. از نظر مطهری (۱۳۷۰) باتوجه به اینکه، ذوق و استعداد افراد یک جامعه با یکدیگر متفاوت است، اجتماع باید در تقسیم همه شئون و مواهب جامعه، شرایط میدان آزاد مسابقه را داشته باشد و با فراهم آوردن حق شرکت و شرایطی یکسان برای همه، خودبه‌خود منجر به ظهور استعدادها و قابلیت‌ها شود (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۲۷-۱۲۶).

بر مبنای دیدگاه مطهری، برای برقراری عدالت تربیتی، عنایت به ویژگی‌های مشترک و متفاوت متریبان و مریبان و توجه به کوشش آنان و نتایج آن ضروری است. از این رو، در فرایند تربیت، از سویی باید فرصت‌های برابر برای همگان باتوجه به ویژگی‌های مشترک فراهم آورد و از سوی دیگر باید تفاوت‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی را در ارائه تربیت کیفی برای همه مریبان مورد ملاحظه قرارداد.

در اینجا برای استنتاج این اصل از دو قیاس استفاده می‌شود که در قیاس اول ما به یک هدف واسطی می‌رسیم و از مقدمه قرارداد آن در قیاس دوم به اصل تربیتی دست پیدا می‌کنیم.

قیاس اول			
نوع گزاره	موضوع	شرح	عنوان
تجویزی	هدف تربیتی	برای دست یافتن به عدالت اجتماعی ای که در یک جامعه بزرگ‌تر تحقق می‌یابد، باید پیش‌تر در یک جامعه کوچک‌تر که همان نظام تعلیم و تربیت است، محقق گردد.	عدالت تربیتی باید تحقق یابد تا زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی باشد.
توصیفی	مبانی تربیتی	برای رسیدن به عدالت اجتماعی و تحقق آن نظام تعلیم و تربیت می‌تواند مقدمات آن را از درون نهاد آموزش فراهم سازد.	برخورداری از تعلیم و تربیت زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی است.
تجویزی	هدف واسطی	برای اینکه بتوان عدالت تربیتی را محقق ساخت و این تمرینی برای تحقق عدالت باشد باید نظام تعلیم و تربیتی وجود داشته باشد که بتوان از آن طریق متریبان را با مؤلفه‌های عدالت آشنا نمود	برای تحقق عدالت تربیتی باید از تعلیم و تربیت برخوردار بود.

قیاس دوم			
نوع گزاره	موضوع	شرح	عنوان
تجویزی	هدف واسطی یا هدف تربیتی	برای اینکه بتوان عدالت تربیتی را محقق ساخت و این تمرینی برای تحقق عدالت باشد باید نظام تعلیم و تربیتی وجود داشته باشد که بتوان از آن طریق متریبان را با مؤلفه‌های عدالت آشنا نمود.	برای تحقق عدالت تربیتی باید از تعلیم و تربیت برخوردار بود
توصیفی	مبانی تربیتی	وقتی نظام تعلیم و تربیت برای همه افراد میسر گردد، این نمونه‌ای از تحقق عدالت برای افراد است	برخورداری از تعلیم و تربیت جنبه‌ای از تحقق عدالت فردی است
تجویزی	اصل تربیتی	منظور این است که برای تحقق عدالت تربیتی باید ابتدا به حقوق تک‌تک افراد به‌عنوان عناصر تشکیل دهنده جمع احترام قائل شد و مبادا حق کسی به خاطر دیگری پایمال شود.	برای تحقق عدالت تربیتی باید عدالت فردی تحقق یابد

۳. اصل پرورش فطریات

این اصل از مبانی انسان‌شناختی «برخورداری از تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل پرورش فطریات در جهت رشد و کمال انسانی است» و هدف «عدالت تربیتی باید تحقق یابد تا رشد کمال انسانی محقق شود» اخذ شده است. مطهری (۱۳۷۶) در این زمینه معتقد است در مقام اثبات، عدل موضوعی است که برای عقل، فارغ از ساحت الهی یا بشری، بالبداهه و فطرتاً مفهوم است و

حسن بودن آن به فطرت زیبایی شناختی انسان مقبول می‌افتد. بانظربه آنچه ذکر شد عدالت‌خواهی از اهم گرایش‌های فطری انسان است، لذا فراگیران، فطرتی الهی دارند که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن هستند. این فطرت می‌تواند فعلیت یافته، صیقل بخورد و توسعه پذیرد و می‌تواند به فراموشی سپرده شود. فطرت که شامل شناخت‌ها و گرایش‌های متعالی و غیراکتسابی است، همواره درانتظار تحقق خارجی و ظهور (فعلیت) و شکوفایی می‌ماند. در جنبه عملیاتی رشد فطریات در تعلیم و تربیت می‌توان اشاره کرد. از آنجاکه عدالت یکی از خاستگاه‌های فطری انسان است، باید توجه داشت در حوزه تعلیم و تربیت نسبت به فطرت، باید دقیق بود و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید در راستای پرورش فطریات، نهایت تلاش خود را داشته باشند.

عنوان	شرح	موضوع	نوع گزاره
عدالت تربیتی باید تحقق یابد تا رشد کمال انسانی محقق گردد.	اگر می‌خواهیم انسان‌ها به درجات عالی و کمالات والای بشری دست پیدا کنند، باید عدالت در نظام تعلیم و تربیت محقق بشود.	هدف تربیتی	تجویزی
برخورداری از تعلیم و تربیت، مهم‌ترین عامل پرورش فطریات در جهت رشد و کمال انسانی است.	بهترین و مهم‌ترین راه برای پرورش گرایش‌های فطری انسان برخورداری شدن از نظام تعلیم و تربیت است	مبانی تربیتی	توصیفی
تعلیم و تربیت باید در جهت تحقق عدالت تربیتی به پرورش فطریات توجه نماید.	نظام آموزش و پرورش عدالت‌محور باید در جهت رشد کمالات انسانی به گرایش‌های فطری از قبیل عدالت‌خواهی، خداجویی، زیبایی‌خواهی، ... توجه نماید.	اصل تربیتی	تجویزی

۴. اصل پرورش کرامت

این اصل از مبانی انسان‌شناختی «برخورداری از تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل پرورش کرامت‌مترین در جهت رشد کمالات انسانی است و هدف تربیتی «عدالت تربیتی باید تحقق یابد تا رشد کمال انسانی محقق شود» اخذ شده است. نظربه اینکه، کرامت انسان یکی از مهم‌ترین پایه‌های انسان‌شناختی عدالت تربیتی در اسلام است، از نظر مطهری (۱۳۵۸) «مسئله کرامت نفس و یا

عزت نفس و تعبیراتی امثال اینها که در متون تعلیمات اسلامی وارد شده است، مسئله‌ای است که کم‌تر مورد توجه واقع شده و یا اساساً مورد توجه واقع نشده است و حال آنکه ما ریشه و مبنا و زیربنای اخلاق اسلامی را از همین جا می‌توانیم استنباط و استخراج کنیم؛ از نوعی بازگشت‌دادن انسان به خود و متوجه کردن او به شرافت و کرامت ذاتی خویش». از نظر ایشان، کرامت انسانی، امری قراردادی نیست، بلکه ریشه در ذات خلقت بشری دارد که خود بر بنیاد آزادی اراده، قدرت تعقل، داشتن وجهه و نفخه الهی و جانشینی انسان برای خدا قرار دارد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۰). براین اساس، در برقراری عدالت تربیتی، روش‌های تعلیم و تربیت باید به گونه‌ای باشد تا احساس کرامت واقعی نفس همه افراد را فراهم آورد و آن را از تهدید عوامل ضد کرامت مصون داشت. پس لازم است امکان بروز توانایی‌های همه افراد فراهم شود و آموزش و پرورش مناسب و برقراری عدالت می‌تواند محمل مناسبی برای ایجاد و توسعه چنین امری باشد.

عنوان	شرح	موضوع	نوع گزاره
مقدمه اول	عدالت تربیتی باید تحقق یابد تا رشد کمال انسانی محقق گردد.	هدف تربیتی	تجویزی
مقدمه دوم	برخورداری از تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل پرورش کرامت متریان در جهت رشد کمالات انسانی است	مبانی تربیتی	توصیفی
نتیجه قیاس عملی	تعلیم و تربیت باید در جهت تحقق عدالت تربیتی به پرورش کرامت متریان توجه نماید	اصل تربیتی	تجویزی

۵. اصل سعادت

این اصل از مبانی ارزش‌شناختی «برخورداری از تعلیم و تربیت، زمینه‌ساز سعادت متریان در جهت رشد کمالات انسانی است و هدف تربیتی «عدالت تربیتی باید تحقق یابد تا رشد کمال انسانی محقق شود» اخذ شده است. شهید مطهری در مبانی ارزش‌شناختی عدالت اجتماعی بر مبنای آموزه‌های اسلامی به «سعادت» معتقد است. از نظر ایشان، عدالت، در واقع دو عنصر اصلی دارد؛

یک عنصر اصلی آن است که چیزی به نام حقوق و اولویت‌ها وجود دارد. نکته دوم که ایشان به عنوان عنصر ثانوی ذکر می‌کنند، نقش اعتبار است که باید در مورد حقوق و اولویت‌ها قائل شد. بر اساس نظر ایشان، اعتبار باید در این تعریف عدالت، سهمیم شود و یک اعتبار باید پشت حق باشد، تا جامعه به سعادت برسد (واعظی، ۱۳۹۰). این باور یکی از نافذترین و مؤثرترین باورها و از قوی‌ترین عوامل جهت‌دهی به رفتار آدمی است که پدیدآورنده هدفمندی و ضامن اجرایی برای تحقق ارزش‌های انسانی از جمله عدالت در راستای سعادت و کمال و تعالی در نظام تعلیم و تربیت است.

نوع گزاره	موضوع	شرح	عنوان	
تجویزی	هدف تربیتی	اگر می‌خواهیم انسان‌ها به درجات عالی و کمالات والای بشری دست پیدا کنند، باید عدالت در نظام تعلیم و تربیت محقق بشود.	عدالت تربیتی باید تحقق یابد تا رشد کمال انسانی محقق گردد.	مقدمه اول
توصیفی	مبانی تربیتی	نظام تعلیم و تربیت بهترین راه برای زمینه‌سازی و ایجاد بسترهای مناسب برای به سعادت رسیدن متریان است و می‌تواند آنها را به سرمنزل مقصود راهنمایی کند.	برخورداری از تعلیم و تربیت زمینه‌ساز سعادت متریان در جهت رشد کمالات انسانی است.	مقدمه دوم
تجویزی	اصل تربیتی	آموزش و پرورش عدالت‌محور می‌تواند زمینه‌های سعادت متریان را فراهم نماید.	تعلیم و تربیت برای زمینه‌سازی سعادت متریان باید عدالت تربیتی را محقق نماید.	نتیجه قیاس عملی

بحث و نتیجه‌گیری

باعنایت به مباحث ذکر شده در صورت‌بندی مفهوم عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری می‌توان به فرصت‌های آموزشی برابر، رعایت حقوق و استحقاق افراد با توجه به تلاش و استعدادها، متریان، جبران کمبودهای متریان نیازمند توجه خاص، تلازم استعداد و وظایف متریان اشاره نمود. مهم‌ترین مبانی عدالت تربیتی عبارت است از: ۱. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت، مصداق برخورداری از فیض عام خداوند است؛ ۲. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت یکی از جلوه‌های توازن در هستی به منزله اصل حاکم بر جهان آفرینش است؛ ۳. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت،

جنبه‌ای از تحقق عدالت فردی است؛ ۴. برخورداری انسان از تعلیم و تربیت زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی است؛ ۵. تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز رشد فطریات انسانی است؛ ۶. تعلیم و تربیت مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز رشد کرامت انسانی است؛ ۷. تعلیم و تربیت ابزار اصلی رشد تعقل و اراده به‌عنوان ویژگی‌های ایجادکننده کرامت انسانی است؛ ۸. تعلیم و تربیت ابزار رشد ارزش‌های اخلاقی است؛ ۹. تعلیم و تربیت، زمینه‌ساز سعادت انسانی است، همچنین اصل آموزش همگانی، اصل فردیت در آموزش، اصل پرورش فطریات، اصل پرورش کرامت و اصل سعادت از مهم‌ترین اصول برآمده از آرای شهید مطهری است.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد از نظر مطهری، عدالت در وجه بارز آن، رعایت استحقاق‌هاست و مفهوم آن این است که استحقاق‌های طبیعی و واقعی در نظر گرفته شود و به هر کس مطابق آنچه برحسب کار و استعداد لیاقت دارد، داده شود. مطهری تلاش را محور استحقاق می‌داند که موجب اختصاص از بهره‌مندی در تعلیم و تربیت است، یعنی افراد به‌واسطه تلاش خود، مستحق برخوردار شدن از امکانات و مواهب می‌شوند؛ یا به عبارتی می‌توان گفت تلاش متریان نیازمند زمینه و بستر مناسب است و بدون فراهم شدن آن، تلاش افراد به‌وقوع نمی‌پیوندد. براین اساس، رعایت استحقاق‌های ذاتی و ناشی از خلقت، کلی‌ترین و اصلی‌ترین ملاک عدالت در بسیاری از ابعاد است؛ بدین ترتیب باید برنامه‌های درسی و آموزشی مناسب در جهت شناسایی، رشد و شکوفایی استعدادهای مختلف همه دانش‌آموزان باشد تا متریان به میزان استعدادهای و توانایی‌ها و تلاش‌های خود در مسیر درست، گام بردارند.

منابع

- امیری، راضیه و اکبرزاده، حوران (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی آرای جان رالز و شهید مطهری درباره عدالت، قیسات، ۱۸: ۶۰ - ۲۹.
- بابادی عکاشه، زهرا؛ شریف، سیدمصطفی و جمشیدیان، عبدالرسول (۱۳۸۷)، تأمین و گسترش فرصت‌ها و عدالت آموزشی در آموزش و پرورش استان اصفهان، فصلنامه رفاه اجتماعی ۳۷: ۲۸۷ - ۳۰۵.
- باقری، خسرو و نجفی، نفیسه (۱۳۸۷)، عدالت در آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام با تأکید بر خصوصی‌سازی مدارس، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۷۸.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس و توسلی، طیبه (۱۳۸۹)، رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، جهان‌بینی توحیدی، قم: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، بیست‌گفتار. تهران: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار: جلد بیست‌ویکم: اسلام و مقتضیات زمان، تهران: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۲)، عدل الهی، قم: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، یادداشت‌های استاد مطهری، تهران: انتشارات صدرا
- ملکی، حسن (۱۳۸۴)، تعلیم و تربیت اسلامی: رویکرد کلان‌نگر، تهران: انتشارات عابد.
- واعظی، احمد (۱۳۸۸)، نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- واعظی، احمد (۱۳۹۰)، تحلیل رهاورد شهید مطهری در بحث عدالت اجتماعی، علوم سیاسی، ۵۹: ۳۳ - ۴۵.
- یاری قلی، بهبود (۱۳۹۲)، بررسی فلسفه ایجاد مدارس غیرانتفاعی و سازگاری آن با عدالت تربیتی از منظر متخصصان تعلیم و تربیت: رویکردی هرمنوتیکی، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۳ (۲): ۱۹۵ - ۲۱۰.
- یاری قلی، بهبود و ضرغامی و سعید (۱۳۹۳)، بررسی امکان بهره‌گیری از عدالت تربیتی برآمده از نظریه عدالت در نظام‌های آموزشی: رویکرد هرمنوتیک انتقادی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت.
- یاری قلی، بهبود؛ ضرغامی سعید؛ قائدی، یحیی و نقیب‌زاده، عبدالحسین (۱۳۹۲)، تحلیل تطبیقی فلسفه عدالت تربیتی، دیدگاه‌های لیبرال و جامعه‌گرا، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره چهارم.

